

درس دوم:

در هنگام نگارش یک متن باید از نشانه‌های نگارشی (، . : « » ؟ !) استفاده کنیم. استفاده‌ی به جا از این نشانه‌ها، موجب راحت‌تر خواندن متن و همچنین کمک به فهم بهتر جملات می‌شود. در زیر کاربرد برخی از نشانه‌های نگارش را می‌بینیم.

منطقه (.): در پایان همه‌ی جملات به جز جملات پرسشی و تعجبی از نقطه استفاده می‌کنیم.

ویرگول (،): برای ایجاد مکث از ویرگول استفاده می‌کنیم. هم‌چنین وقتی موارد خاصی را پشت سر هم می‌آوریم، بین آن‌ها ویرگول می‌گذاریم. ویرگول کاربردهای دیگری نیز دارد که در سال‌های آینده با آن آشنا خواهید شد.

دو نقطه (:): وقتی می‌خواهیم سخنی را از کسی نقل کنیم قبل از آن دو نقطه می‌گذاریم. هم‌چنین مقابل واژه‌هایی که می‌خواهیم آن‌ها را معنا کنیم نیز دو نقطه می‌گذاریم.

علامت سؤال (؟): در پایان جملات پرسشی از علامت سؤال استفاده می‌کنیم.

علامت تعجب (!): در پایان جملات تعجبی از علامت تعجب استفاده می‌کنیم.

گیومه (« »): وقتی می‌خواهیم سخنی را به طور مستقیم از کسی نقل کنیم، آن را بین دو گیومه قرار می‌دهیم. هم‌چنین اسامی، عناوین و اصطلاحات علمی یا فنی را برای بار اول درون گیومه قرار می‌دهیم.

مثال:

در جاهای نشانه‌ی نگارشی مناسب قرار دهید.

الف) این همه شگفتی زیبایی و دانایی را چه کسی در پرستوهای کوچک نهاده است

ب) پاییز با خود گفت بگذار این‌ها همان‌طور که هستند باقی بمانند.

پاسخ:

الف) این همه شگفتی، زیبایی و دانایی را چه کسی در پرستوهای کوچک نهاده است.

ب) پاییز با خود گفت: «بگذار این‌ها همان‌طور که هستند، باقی بمانند».

مثال:

در هر کدام از جمله‌های زیر مشخص کنید که چه کسی از سفر برگشته است؟

الف) پدر علی از سفر برگشت.

ب) پدر، علی از سفر برگشت.

پاسخ:

الف) پدر علی ب) علی

مثال:

در کدام جمله فرد زندانی بخشیده شده است؟

الف) بخشایش، لازم نیست اعدامش کنید.

ب) بخشایش لازم نیست، اعدامش کنید.

پاسخ:

الف) این مثال و مثال قبل اهمیت استفاده از نشانه‌های نگارشی را می‌رساند.

کلمات مهم املائی:

لطیف و دل‌نشین - سال گذشته - تخم گذاشتن - شکار حشرات - راه و رسم زندگی - آغاز پاییز - کمیاب - عده‌ای

دیگر - عقاب و قرقی - قدرت راه‌یابی

ضرب‌المثل «دست بالای دست بسیار است» یعنی همیشه کسی یا چیزی هست که بالاتر از آدم و داشته‌هایش باشد.

ضرب‌المثل «ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.» یعنی هیچ‌گاه برای انجام کاری دیر نیست و هر لحظه

می‌توان اقدام کرد.

ضرب‌المثل «سحرخیز باش تا کامروا باشی» ما را به سحرخیزی تشویق کرده است و اشاره به این دارد که انسان‌های

سحرخیز در کارهایشان موفق‌ترند.

ضرب‌المثل «مرغ همسایه غاز است.» در مواردی به کار می‌رود که ما داشته‌های خود را کم و سطح پایین در نظر

می‌گیریم و همان‌چیز اگر در نزد دیگران باشد آن را بالا یا برتر می‌دانیم.

حکایت زیر را بخوانید و ضرب‌المثل مربوط به آن را نیز بنویسید.

روزی ملاً نصرالدین برای خرید کفش نو به شهر رفت. در بازار کفش‌فروشان انواع مختلف کفش وجود داشت که او می‌توانست هر کدام را که می‌خواهد انتخاب کند.

فروشنده حتی چند جفت هم از انبار آورد تا ملا نصرالدین آزادی بیش‌تری برای خرید کفش داشته باشد. او یکی‌یکی کفش‌ها را امتحان کرد، اما هیچ‌کدام را دوست نداشت. بیش‌تر از ده جفت کفش اطراف ملاً چیده شده بود و فروشنده با صبر و حوصله‌ی هر چه تمام به کار خود ادامه می‌داد.

ملاً نصرالدین داشت از خریدن کفش ناامید می‌شد که ناگهان متوجه یک کفش زیبا شد. آن‌ها را پوشید، دید کفش‌ها اندازه‌ی پایش هستند. چند قدمی در مغازه راه رفت و احساس رضایت کرد. بالأخره تصمیم خود را گرفت. می‌دانست که باید این کفش‌ها را بخرد.

از فروشنده پرسید: قیمت این یک جفت کفش چقدر است؟

فروشنده جواب داد: این کفش‌ها قیمتی ندارند.

ملاً گفت: چه‌طور چنین چیزی ممکن است، مرا مسخره می‌کنی؟

فروشنده گفت: ابداً، این کفش‌ها واقعاً قیمتی ندارند، چون کفش‌های خودت است که هنگام وارد شدن به مغازه به پا داشتی.

ضرب‌المثل:

پاسخ:

مرغ همسایه غاز است.

نکته: متن «در جست‌وجو» نوشته‌ی خانم «کِلِر (سمیه) ژوبرت» می‌باشد.